

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

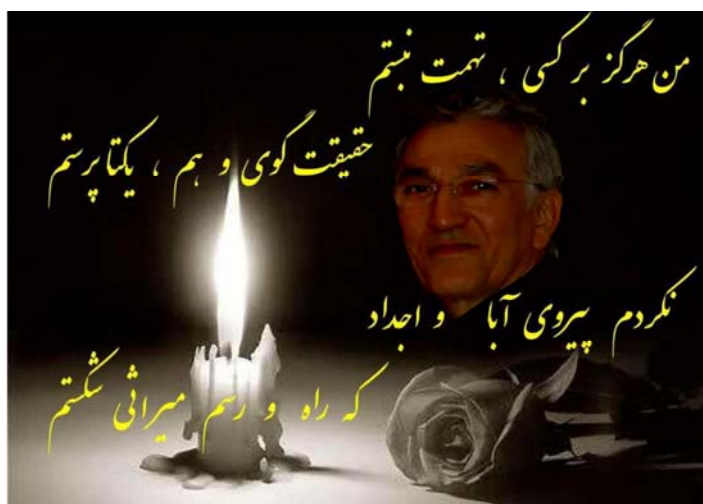
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
۱۰ جون ۲۰۲۰



اجازه

میروم همراهی شما، شهر بزم
سر به سرم میزنند اینترنت
حضرت لپتاب کند بی سری
مشکل تخنیک و بنوشتن است
دور کاشانه، جگر آب کرد
منهزم و می پزم، هردوی شان
حال، دو سه چار، رباعی رقم
یعنی اجازه دهم گر (بشیر)
رزم نه با راکت و توپ و تفنگ
با قلم و با رقم و قافیه

گرچه هوا سرد و شده و پُر ز نزم
گه کند آشتی و گهی هم، آرزم
آنچه سرودم همه را کرده هزم
در سفرم، راه خضر دارم عزم
مرغ دلم می تپد در وزرم
کرده خرابی و برون همچو خزم
خدمت تر مپ، نمایم به خزم
«نعمت» الان حاضر خدمت به رزم
با گل و با شبنم و ریحان و کرم
نه تبر و تیشه و تلوار و وزم

بزم - محفل شادی

نزم - بخار و مه میغ ابر

آرزم - جنگ، رزم

هَزَم - شکست دادن، پراکنده ساختن

وَرَزَم - آتش، شعله آتش

خَزَم - در اصطلاح عروض زیادتی حرفی است، آوردن حرف یا حروف زائد و خارج از وزن، ملخ را بسیخ

درکشیدن، سوراخ کردن بینی شتر

خَزَم - استوارکاری، احتیاط، عاقبت نگریستن هشیاری

کَزَم - هر گیاهی که در کناره های جوی و رودخانه و حوض سبز شود

وَزَم - بیل چوبی بزرگ برای روبیدن برف، راشبیل